

متن پرسش

سلام علیکم و رحمت الله: عرض ادب محضر استاد عزیز. به لطف خدا حقیر از سال ۸۸ با قرآن آشنا شدم و شروع کردم به انس و تلاوت قرآن. خب قبلش دانشجو بودم و مغازه ای هم داشتم و متاهل شدم. با آنکه از آیات چیزی هم نمی فهمیدم ولی خیلی حال و هوای طلبگی در بنده زنده شده بود و گفتگوهای با شما و شنیدن حرفای شما هم خیلی در حقیر موثر بود، طوری که سال ۹۰ همه کار و دانشگاه رو رها کردم و طلبه شدم. جوری عاشق قرآن بودم که فکر می کردم در حوزه همه چیز خوانده می شود برای قرآن و آنجا تمام طلاب دور هم هستند و شبانه روز قرآن می خوانند و خلاصه وقتی با حوزه با تمام زیباییهایش روبرو شدم، دیدم که نه، انگار فضا متفاوت است از آنچه در سر می پروراند! ولی باز همان قرآن بود که انگار نسبت من را با حوزه نگه می داشت و چندین سال است که با استماع قرآن زنده ام. درسها را که رغبتی خاص ندارم و البته بعضی از کتابهای شما و برخی اساتید رو خیلی دوست دارم مطالعه کنم ولی تا حدی گاهی ورود پیدا می کنم ولی نمیتونم به جایی برسونمشون! البته جدیداً به مقداری حال و هوای مطالعاتی پیدا کردم، از طرفی نوع نسبتی که با قرآن دارم، زیاد نمیتونم ترجمه ها رو باهاش ارتباط بگیرم، خلاصه به حس بسیار خوبی تو نسبت با قرآن دارم ولی در بحث ارتباطات اجتماعی و مسائل طلبگی، خب این سبک زندگی طلبگی بنده، قابل پذیرش برای جامعه نیست و به نحوی با سرکوفت برخی رفقا و اعضای خانواده روبرو هستم. البته صوت تفاسیر شما رو الحمدلله باهاش زندگی می کنم. نوع نسبتی که حضرتعالی و برخی اساتید با مباحث مطالعاتی دارین واقعا از آرزوهای بنده هست ولی هنوز تو این قضیه راهی واسه حقیر باز نشده و شاید بی همتی خود بنده بوده! نمیدونم! بعد از این اطاله، دوست داشتم اگر صلاح میدونین، به حقیر تو این مساله کمکی بفرمایین. ممنون از محبتتون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چرا در مسیر طلبگی به همان صورتی که علمای سلف راه را گشودند، طلاب عزیز طی مسیر نکنند؟ با همان حضور در حوزه و درس و بحث و حضور در مساجد به عنوان امام جماعت و منبر و وعظ و تبلیغ برای رشد فرهنگ جامعه آن هم در اصیل ترین طبقه مردمی. موفق باشید